

معماری و زیست‌اسلامی

منوچهر شیبانی

معابر - در شهرهای اسلامی همانطور که قبلاً ذکر شد معابر اهمیت زیادی داشتند البته معابر بسته بوضع جغرافیائی شهرهای مختلف از لحاظ مسطح بودن یا در زمینه کوهها قرار گرفتن متفاوت است .

معابر شهرهای بزرگ اغلب سنگفرش و گاهی بشکل گرده ماهی، کف‌بندی شده بود که آب باران به جویهای دو طرف داخل شده و بفاضل آب شهر میریخت .

کوی و برزنها که مرکز خانه‌های مسکونی بشمار میرفت با کوچه‌های باریک پیچ در پیچ به خیابانها اتصال مییافت . کوچه‌های هر محله بهم متصل بوده و در انتهای آنها و ابتدای طاقی‌هایی که به دروازه شبیه بود قرار داشت . اغلب آنها با آجر یا سنگ ساخته میشد و در بزرگی از چوب که گل‌میخهای بزرگی بآن کوبیده شده بود و از پشت کلون و بست‌های آهنین محکم‌آنها حفاظت میکرد جلو آن قرار داشت . در هنگام حمله بشهر این درها بسته میشد و در محوطه بالای دروازه محل‌هایی برای قراولها و نگهبانان موجود بود که روزنه‌های کوچکی در دیوارها برای تیراندازی احداث کرده بودند. با این نوع معابر هر محله‌ای میتواند مدت‌ها در برابر حمله دشمن ایستادگی کند و در مواقعی که دشمن از این دروازه‌ها داخل معابر میگشت پیچ و خم کوچه‌ها آنها را سرگردان میکرد و در زیر طاقی‌ها از بالای خانه‌ها که درهای کوتاهی داشت مورد تعرض قرار میگرفتند .

برای هر پنجاه خانوار بازارچه‌ای سقف‌دار احداث شده بود که کلیه لوازم زندگی از قبیل دارو و خواروبار و تره‌بار و شیرینی در دکانها بفروش میرسید . قهوه‌خانه‌هایی محل جمع شدن جوانها و مردان و صنوف مختلف در آن بازارچه‌ها



حیاطی که درختکاری و گلکاری شده تا هوای خانه را باطراوت نگاهدارد



بنای مسکونی در یک باغ مشجر - بنا در وسط فضای باغ قرار گرفته

نمایشهای مذهبی (تعزیه) در روزهای عزاداری برگزار میشد. اطراف سکوی تعزیه غرفه‌هایی برای نشستن مردم وجود داشت و اطاقهای کوچکی در پشت ایوانها ساخته شده بودند که پرده‌های مشکی از آن می‌آویختند و زنان در پشت آن بتماشای تعزیه میپرداختند. این غرفه‌ها دوطبقه و گاهی سه‌طبقه ساخته میشد. از سقف تکایا نیز مانند بازارها نور بداخل میتابید. در روزهای

بود. این قهوه‌خانه‌ها محوطه‌های وسیع و مخصوصی داشتند و سکو‌هایی در اطراف دیوارهای آن با ارتفاع در حدود یکمتر ساخته بودند که روی آنها زیلو (فرشی که از نخهای پنبه‌ای با نقشهای بسیار زیبا میبافتند و در آینده مفصلاً راجع بان گفتگو خواهیم کرد) یا قالی می‌انداختند.

در محوطه وسط قهوه‌خانه در قسمت پائین حوضهای کوچکی از آجرهای لعابدار آبی‌رنگ که با فواره‌های سنگی ظریف آب را بیلا میافشاند و بقضا طراوت میبخشید و از طرفی آنها را از لبه کاشیکاری یا سنگی حوض در پاشویه‌ها ریخته و از راه باریکی آب بخارج میرفت. در قسمت بالای حوض محوطه‌ای کمی از سطح قهوه‌خانه مرتفعتر بشکل دایره با کثیرالاضلاع‌های منظم وجود داشت که میتوان آنرا صحنه نمایشی قهوه‌خانه‌ها نامید. در این سکو سخنوران و مرشدها به شاعری و زنده کردن داستانهای حماسی ملی و احادیث مذهبی میپرداختند. بدیوارها تابلوهای بزرگ نقاشی و نقاشیهای دیواری که از روی همین داستانها کشیده شده بود نصب و سخنان تقالها را روح میبخشید و چشمها را تا مدتی بخود معطوف میداشت. از طرفی این نوع قهوه‌خانه‌ها که محل تجمع مردم بود مرکز قرارهای تجارتهای و کاربایی محسوب میشد گاهی در مواقع بحرانی و محاصره شهر این مکانها به انجمن محل و ستاد فرماندهی مبدل میشد و یا میتوانستند از آنجا تمام کوچه‌ها و خانه‌های اطراف را محافظت کنند.

بازارها - غیر از بازارچه‌ها بازارهای بزرگی برای هر شهر ساخته میشد. این بازارها برای هر صنف جداگانه و بنا به احتیاجات و نوع شغل آنها شکل ساختمانشان تغییر پیدا میکرد مثلاً رنگرها غیر از دکان کوچکی که محل فروش کلافهای رنگ شده و قبول کلافهای قالی برای رنگرزی از روی نقشه قالی‌ها بود کارگاه وسیعی داشتند.

در این کارگاه چندین دیگ بزرگ که در روی کوره‌ها قرار داشت و حوضهای کوچک و بزرگ برای شستشوی کلافها و پارچه‌ها و همچنین محوطه مخصوصی برای خشک کردن پارچه‌های رنگ شده بود. نور این کارگاهها از سقف میرسید. طاق کارگاه عبارت بود از گنبد‌های ضربی آجری که وسط آن سوراخ بوده و اطراف آن روی ستونهای سنگی قرار داشت. این گنبد‌ها از زمانهای پیش از اسلام (در ایران از زمان ساسانی در اروپا از دوران بیزانس) معمول بود.

چهار راههایی که در بازارها بود بنام چهارسوق نامیده میشد و در آنجا معمولاً تکایا و مساجدی برای نماز تجار ساخته شده بود.

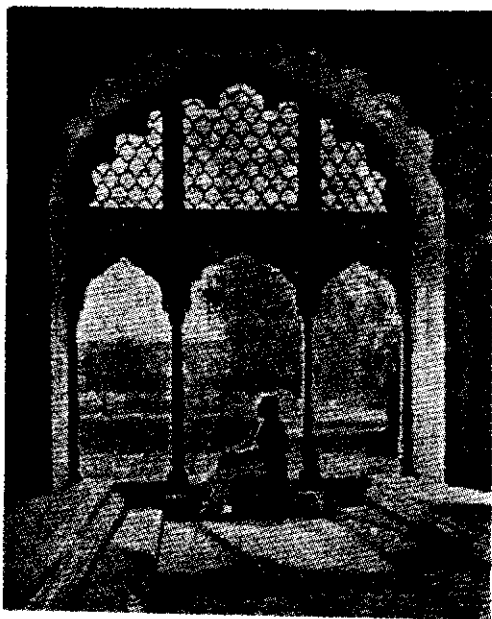
این تکایا محوطه‌های وسیعی بشکل مربع، دایره و مستطیل بود که در وسط آن سکویی ساخته بودند در روی این سکو

هنر و مردم



تزیینات غرفه‌ها و قسمتی از گنبد و کاشی‌کاری روی زمینه گچی

عزاداری روی حوضها را با چوب میپوشانیدند و از اطاقها و ایوانها بعنوان جایگاه تماشاچیان و عزاداران استفاده میکردند



شاهنشین دريك عمارت هندی اسلامی



نمونه‌ای از بناهای دوطبقه با درهای کثونی

خانه قرار داشت عبارت از جزرهای آجری بود که سقف گنبدی شکلی آنرا میپوشانید. در وسط آن حوضی ۶ گوش با فواره و در اطراف دیوارها سکوهای ساخته بودند. دیوار هشتی‌ها از کاشی‌هایی با نقش هندسی گلها و گیاهها و بارنگهای آبی لاجوردی و فیروزه‌ای با نقوش زرد و سبز و سرمه‌ای ساخته میشد. در هر ساختمان يك اطاق بزرگ بنام شاهنشین که دارای دو در معمولی و يك در بزرگ کثویی با شیشه‌های رنگی بود تشکیل میشد. این اطاق را که بآن پنج‌دري هم میگفتند معمولاً روبجنوب میساختند اطاقهای روبقبله برای مردم مسلمان اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت زیرا در زمستانها آفتاب میگرفت و در تابستانها مخصوصاً بواسطه ایوانی که در جلو آن بود و پرده‌های سایبانی هم داشت از نفوذ نور خورشید بداخل آن جلوگیری میشد.

اطاقهای شاهنشین برای پذیرائی از مهمانان و جلوس رئیس خانواده بود. معمولاً اشخاص بانفوذ در قسمت بالای

هنر و مردم

اطراف غرفه‌ها را با پارچه‌های مخمل سیاه که روی آن اشعار مذهبی و آیه‌های قرآن و گاهی تصاویری از حوادث مذهبی قلابدوزی شده بود زینت میدادند.

در جلو بازارها معمولاً میدان بسیار وسیعی ساخته بودند که در يك طرف ارك حكومتی و ادارات دولتی و طرف دیگر مسجد بزرگ شهر (مسجد جامع) ساخته شده بود. این میدان نیز از دكانها و صفاها احاطه شده بود و در وسط آن در اعیاد ملی و یاستانی آتش‌بازی میکردند و گاه مسابقه‌های اسبدوانی و چوگان‌بازی تشکیل میدادند و از غرفه مجلل ارك حكومتی که مشرف بر میدان بود حاکم و داروغه و بزرگان میتوانستند مراسم را تماشا کنند.

میدانها در روز عید قربان با پرچمهای رنگارنگ و کتیبه‌ها و چراغها و آیینها تزئین میشد. شتر قربانی را با مراسم خاصی از گوشه‌ای وارد میکردند. در دنبال شتر دسته زینور کوچی‌ها در حرکت بودند که دهل و سرنا میزدند و لباسهایی از ماهوت قرمز ملیلهدوزی بتن داشتند. پس از کسب اجازه از حاکم نیزه بزرگی بحلقوم شتر میزدند و او را قربانی میکردند.

در اطراف میدان چادرهای الوان برپاشده و در این چادرها مأمورین دولتی بکار اشتغال داشتند و همچنین اشیاء زینتی و اسباب‌بازی کودکان را در چادرهای دیگر میفروختند و گاه چادرهایی برای طبابت وجود داشت که بیماران سرپائی را که در اثر عبور و مرور آسیب میدیدند معالجه میکردند. دارو-فروشان و عطاران نیز گاهی محل کسب خود را موقتاً بزرگ چادرهای میدان انتقال میدادند. در وسط میدانهای بزرگ حوضها و استخرهای فواره‌دار که اطراف آنرا درختکاری میکردند وجود داشت و فضای شهر بوسیله آب فواره‌ها مطبوع میشد. در گوشه دیگر میدان جایگاهی برای اسب کالسکه‌های فرمانروایان و اشراف و قراولها ترتیب داده بودند آخورها را خارج از میدان بنا میکردند که به‌منظره داخلی آن لطمه‌ای وارد نیامورد.

گاهی از این میدانها برای اجرای حکم اعدام یا مجازات بدنی گناهکاران استفاده میشد.

خانه‌های مسکونی - خانه سازی در شهرهای اسلامی بسته بوضع جغرافیائی شهر تغییر شکل مییافت. در مناطق کوهستانی که دسترسی به سنگ داشتند و زمین آن پست و بلند بود خانه‌های چند طبقه میساختند. ولی در زمینهای هموار خانه‌های مسکونی عموماً يك طبقه بنا میشد طرح این خانه‌ها عبارت بودند از يك حیاط بشکل مستطیل یا مربع یا کثیرالاضلاعهای ۶ گوش و یا ۸ گوش در وسط حیاط گلکاری و باغچه‌بندی شده و درختهایی برای طراوت هوا میکاشتند. از این حیاط دالانی به قسمت بیرونی منتهی میشد دالانهای دیگری نیز از اطاقها به محوطه کوچکتر سرپوشیده‌ای منتهی میگشت. این محوطه که در مقابل درخروجی

واشیاء دیگر در داخل آن ساخته شده بود . انبارها نیز برای محفوظ بودن از دستبرد در انتهای دالانها قرار داشت . انبار دیگری نیز برای سوخت از قبیل ذغال و ذغالسنگ و هیزم در هرخانه وجود داشت .

آشپزخانه نیز از محل‌های لازم برای هر خانواده بوده است . ساختن اجاقهایی که با هیزم یا ذغال میسوخت و میتوانستند روی آن دیگهای غذا را بگذارند احتیاج بدودکشهای بزرگ داشت تا دود و بوی غذا را بیام کشیده و از پراکندن دود بداخل آشپزخانه جلوگیری کند دودکش آشپزخانه را بسیار پهن میساختند و دوده‌های داخل آنرا هر شش‌ماه یکبار یا سالیانه پاک میکردند . بر پشت بام کلاهکی روی دودکش آشپزخانه میساختند که از نفوذ باران و گردوخاک بداخل دیگهای غذا جلوگیری میکرد .

تختگاهی برای خشکاندن ظروف و قفسه‌ها و دولابهایی برای ادویه‌های مختلف در آشپزخانه ساخته شده بود .

در خانه‌های شهرهای اسلامی معمولاً يك فامیل که عبارت از پدر بزرگ و همچنین فرزندان و عروسها و دامادها و نوه‌های آنها عموماً و عمه‌ها و خاله‌ها و داییها بودند دور هم زندگی میکردند باین عده میبایست مهمانهای فصلی که هر دو سه ماه یکبار بمهمانی میآمدند و همچنین کنیزها و نوکرها افزوده شود . هر کدام از اطاقها بیکعده از آنها اختصاص داشت . البته غذا را همه فامیل دور هم در شاه‌نشین صرف میکردند و از يك آشپزخانه غذای يك فامیل تهیه میشد . وسعت انبار بزرگ و آشپزخانه میبایست بمحددی باشد که احتیاجات اغذیه يك فامیل را بدهد در هرخانه بسته بمقام و شخصیت سرپرست آن آبدارخانه و کالسکه‌خانه و طویله برای اسبها و قاطرها و همچنین اطاقهایی برای نوکرها و تفنگچی‌ها وجود داشت .

سالن که سطح آن از کف اطاق قدری بلندتر بود روی دسکچه‌های ترمه مینشستند در مواقع روضه‌خوانی خانوادگی صندلی واعظ را در همین محوطه میگذاشتند . در جلو شاه‌نشین معمولاً ایوانی یا طارمی‌های کاشی یا آجری میساختند که از دو طرف به صحن حیاط پله میخورد . اطاق شاه‌نشین که زیباترین و مجلل‌ترین و بزرگترین اطاق هرخانه محسوب میشد برطاقها و طاقچه و رفها گچ‌بری و آینه‌کاری‌های بسیار زیبایی کار میکردند . درباره گچ‌بری طاقها و طاقچه‌بندی‌ها در آینده بحث خواهد شد .

اطاقهای شاه‌نشین گاهی ساده بنامیشد و گاهی در گوشه‌های شمالی آن ایوانهای باریکی که بآن غلام‌گردش میگفتند و اطاقهای کوچکی در دو طرف شرقی و غربی که جلوان طارمی و پنجره‌های چوبی بسیار زیبایی کشیده بودند قرار داشت . این اطاقها را گوشواره میگفتند . البته استفاده از این اطاقها برای مواقعی بود که مجلس اصلی شاه‌نشین مردانه بود و زنها در پشت گوشواره‌ها که از شاه‌نشین داخل آن دیده نمیشد بتماشا مینشستند .

غیر از این اطاق چندین اطاق کوچک در اطراف حیاط ساخته بودند . گاه ایوان جلو اطاقها بدور تا دور حیاط ادامه داشت و گاه فقط منحصر بقسمت شمالی عمارت بود . هر دو اطاق بوسیله دری بدالانهای کوچکی راه داشت که این دالانچه‌ها با پله‌کانه‌های سنگی و یا آجری بصحن حیاط منتهی میشد . برای هر اطاق مسکونی صندوقخانه کوچکی در گوشه آن ساخته بودند که نوری از جایی آنرا روشن نمیکرد . ولی هرخانه دارای انبار بزرگی بوده و برای نگهداری آرد دولابچه‌هایی در دیوار که از داخل تازمین ادامه داشت وجود داشت و همچنین تختگاهی برای نگهداری ترشی‌ها و مرباها و غرابه‌های سرکه

قسمتی از میدان ونای حکمران

